

پنجمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پایپیشرفت؛ بیست و نهم و سی ام اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

نگاهی به دشت سیستان به منظور پیشرفت

محمد رضا ارسلان بد^۱

چکیده

ایران با منابع طبیعی و انسانی و وضعیت جغرافیایی عالی شرایط لازم برای برخوردار شدن از وضعیت بسیار خوب اقتصادی را دارا می‌باشد. وضعیت طبیعی و جغرافیایی ایران از متوسط جهانی بهتر و نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته اقتصادی بسیار بهتر می‌باشد. به همین جهت این استعداد بالقوه وجود دارد که تولید سرانه ایران به کشورهای پیشرفته اقتصادی نزدیک و نزدیک تر شود و حتی از بعضی آن‌ها پیشی گیرد. به نظر می‌رسد در پیش‌نویس‌های اسناد الگوی پایه باید اصلاحاتی صورت گیرد که مناسب با این استعداد بالقوه شود. بهره‌وری کلی و اجتماعی در حال حاضر در دشت سیستان، به‌عنوان مثال، بسیار پایین است. در بحث اصلی مقاله بعضی علل مهم و راه‌های حل آن توضیح داده شده است. گسستگی مکانی و نظام‌های بهره‌برداری نامناسب و کوچک و پراکنده در بخش کشاورزی و گسستگی آن‌ها با سایر نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی و رکود تکنولوژیک از علل مهم پایین بودن بهره‌وری می‌باشند. برای حل این مشکلات پیشنهاد شده است «شرکت‌سهامی پیشرفت» تأسیس شود. حتی در سیستان که صدها سال است دچار رکود و فقر شدید بوده است این استعداد بالقوه وجود دارد که اگر همراه شود با رفتارهای تولیدکنندگی حداکثری، مصرف‌کنندگی معقول، توزیع‌کنندگی عادلانه و ضایع‌کنندگی صفر، که لازمه آن تحول سریع و عمیق انسان‌هاست، می‌تواند یکی از پیشگامان پیشرفت ایران باشد. از این استعدادهای باید استفاده کرد. در سطح جهان الگویی در رقابت پیروز خواهد شد که «تولید خوب سرانه بالاتری» را باعث شود. اصلاحاتی در اسناد الگوی پایه پیشرفت حول محور «تولیدکنندگی خوب» و مناسب با استعدادهای بالقوه انسانی، طبیعی و جغرافیایی ایران می‌تواند کمک به ایجاد بستر مناسبی برای پیشرفت نماید.

کلیدواژه‌ها: تولیدکنندگی خوب، فرهنگ و اقتصاد، گسستگی، شرکت سهامی پیشرفت، الگوی پایه، آب، سیستان، ایران

ایران با منابع طبیعی و انسانی و وضعیت جغرافیایی عالی شرایط لازم برای برخوردار شدن از وضعیت بسیار خوب اقتصادی را دارا می‌باشد. وضعیت طبیعی و جغرافیایی ایران از متوسط جهانی بهتر و نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته اقتصادی بسیار بهتر می‌باشد. به همین جهت این استعداد بالقوه وجود دارد که تولید سرانه ایران به کشورهای پیشرفته اقتصادی نزدیک و نزدیک تر شود و حتی از آنها پیشی گیرد. به نظر می‌رسد در پیش‌نویس‌های اسناد الگوی پایه باید اصلاحاتی صورت گیرد که مناسب با این استعداد بالقوه شود. هر بخش از سرزمین ایران می‌تواند به خوبی در تحقق آرمان‌ها و انجام رسالت‌ها مشارکت نماید. در این مقاله کوتاه به عنوان مثال به دشت سیستان که بخش بسیار کوچکی از ایران را تشکیل می‌دهد پرداخته ایم. بخشی که در طی قرن‌ها دچار رکود اقتصادی بوده و دچار فقر مزمنی شده است. در این مقاله کوتاه برآنیم نشان دهیم حتی سیستان که از فقر زده ترین مناطق ایران است از چنان ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل برخوردار است، که به جای کمک گرفتن از این و آن، می‌تواند از پیشگامان پیشرفت ایران شود. بهره‌وری کلی و اجتماعی در حال حاضر در

پنجمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پاپی پیشرفت؛ بیست و نهم و سی ام اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

دشت سیستان بسیار پایین است. در بحث اصلی مقاله که به دنبال می آید بعضی از علل مهم و راه های حل آن توضیح داده شده است.

دشت سیستان، شامل مناطق روستائی و شهری، از ظرفیت ها و استعدادهای بالقوه و بالفعل زیادی برخوردار است. منابع طبیعی و انسانی فراوان و در بسیاری موارد وجود اقلام سرمایه ای گوناگون از ویژگیهای این دشت می باشد. نهادهای مختلف بسیار زیادی، هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی، در این دشت موجود است. وجود دانشگاه های زیاد تنها یک مثال آن است. در این دشت، تاریخ فرهنگ و تمدن چند هزار ساله وجود دارد. عناصر خوداتکائی، آزادمنشی، عدالت و پیشرفت در تاریخ فرهنگ و تمدن آن به وضوح مشهود است. اقتصاد این دشت، در گذشته که اقتصاد ایران عمدتاً کشاورزی بود، در دوره هایی بسیار شکوفا و مولد بود به طوری که عنوان « انبار غله ایران » به آن داده شد. نژادهای بومی گیاهی و جانوری این دشت در ایران و در کشورهای اطراف ایران از شهرت و محبوبیت زیادی برخوردار بودند. در این دشت انسان هایی ظهور کردند که به علت استقلال دوستی، آزادمنشی و عدالت خواهی، در مراحل از تاریخ، ایران را از سقوط کامل نجات دادند. اینها بخشی از نشانه هایی است که ثابت می کند این دشت استعداد بالقوه زیادی برای پیشرفت دارد. این دشت می تواند به صورت یکی از پیشگامان استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت ایران باشد.

صدها سال است، اما، که سیستان دچار رکود و افسردگی شده است. از جامعه ای خوداتکاء خودکفا، شکوفا و صادرکننده به جامعه ای وابسته، واردکننده و فقیر تبدیل شده است. تولید سرانه دشت دچار رکود و رو به کاهش بوده است. فقر مداوم باعث شده است که برای بسیاری از خانوارها راهی جز مهاجرت به خارج از سیستان باقی نماند. در طی یکصد سال اخیر سیستان یکی از دشت های مهم مهاجرفرست بوده است. این پدیده در دهه های اخیر شدت یافته و باعث شده است بسیاری از روستاهای سیستان از سکنه خالی شود. سیستان مثال شفافی از « سرزمین غنی و مردم فقیر » است. چرا؟ علل و عوامل آن چیست؟

در تحلیل نهائی علت العلل همه مشکلات بشر ناآگاهی است و راه حل آن دانش است، دانش به معنای وسیع آن، دانش در همه ابعاد آن، به ویژه در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، علمی و فنی؛ « توانا بود هر که دانا بود ». فرهنگ به مجموعه ارزش ها و باورها گفته می شود که رفتارهای انسان ها را شکل می دهند، هم انسان های منفرد و هم مجموعه های انسانی در چارچوب نهادها، سازمان ها و موسسات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره. فرهنگ مناسب بستر لازم برای حل مشکلات فراهم می کند و باعث می شود رفتارهای مناسب انسان ها برای حل مشکلات شکل گیرد و پیشرفت در همه ابعاد تحقق یابد.

دانش در عصر حاضر عمدتاً توسط موسسات پژوهشی، آموزشی و ترویجی تولید شده و در جامعه منتشر می شود. به همین جهت کارآمدی و اثربخشی چنین موسساتی الزام محوری پیشرفت است (۱). از طرف دیگر، برای مثمر شدن، دانش باید داوطلبانه و علاقه مندانه مورد پذیرش جامعه قرار گیرد و شرایط لازم برای به کارگیری آن فراهم شود. برای پیشرفت مداوم، فرآیندهای مذکور لازم است به طور مداوم صورت گیرد که خود باعث می شود بخش بزرگی از نیروی انسانی جامعه به صورت مفید به کار گرفته شود و کمک به کاهش بیکاری که ام الفساد جامعه است و کاهش مهاجرت ها بنماید. نگاهی به آمار مربوط و حتی گشت و گذاری کوتاه در دشت سیستان به وضوح نشان می دهد که موسسات پژوهشی، آموزشی و ترویجی در دشت سیستان بسیار فراوان است اما بهره وری آن ها بسیار کم است. هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی دشت سیستان، موسساتی که وظیفه شان فراهم نمودن شرایط لازم برای به کارگیری دانش است بسیار فراوان

پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پایه پیشرفت؛ بیست و نهم و سی ام اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

هستند اما بهره وری آن ها نیز بسیار کم است. از طرف دیگر هم به علت پایین بودن دو بهره وری قبلی و هم به علت مشکلات فرهنگی که افراد و مجموعه های انسانی خود دارند بهره وری افراد و مجموعه های انسانی در بنگاه های اقتصادی بخش های دولتی و خصوصی بسیار پایین است که منجر به بهره وری کلی و اجتماعی بسیار پایین می شود. نتیجه همه اینها رکود و افسردگی است در دشتی غنی با مردمی فقیر.

یک علت مهم پایین بودن بهره وری هر نظام « گسستگی » بین نظام های فرعی تشکیل دهنده آن نظام هستند. گسستگی مهم مکانی تقسیم سیستان بزرگ به سیستان ایران و سیستان افغانستان است. با توجه به اینکه آب کشاورزی سیستان ایران عمدتاً از رودخانه هیرمند تامین می شود و در کشور افغانستان که سرچشمه آب هیرمند است سدها و بندهایی احداث شده است آورد آب رودخانه را به سیستان ایران کاهش داده، با موجودی زمین نامتوازن ساخته و تاثیر منفی بر کشاورزی در سیستان ایران گذاشته است (۲). چنین مشکلاتی در بعضی از مرزهای ایران با کشورهای همسایه وجود دارد. این مشکل با تعامل سازنده بین ایران و همسایگان به طوری که نفع عادلانه متقابل برای طرفین داشته باشد قابل حل است. گسستگی در مورد نظام اجتماعی و اقتصادی دشت سیستان نیز صادق است. نظام پژوهشی، آموزشی و ترویجی راه خود را می رود. نظام دولتی و نظام خصوصی هر یک در این استان راه خود را طی می کنند. گسستگی در اهداف دارند و بالنتیجه گسستگی در رفتار دارند. در تحلیل نهایی تعیین کننده همه اینها فرهنگ به معنایی است که قبلاً تعریف شد. رفتارهای انسان های منفرد و مجموعه های انسانی را می توان به چهار دسته تقسیم نمود: رفتارهای ضایع کنندگی، مصرف کنندگی، توزیع کنندگی و تولید کنندگی. برای دسترسی به رشد، توسعه و پیشرفت رفتارهای ضایع کنندگی به طور کامل باید حذف شوند، رفتارهای مصرفی باید عاقلانه شوند، رفتارهای توزیع کنندگی باید عادلانه شوند و رفتارهای تولید کنندگی به حداکثر خود باید برسند. شواهد آماری و حتی نگاه سطحی به واقعیات موجود در دشت سیستان فاصله زیادی را با آنچه که برای رشد، توسعه و پیشرفت لازم است نشان می دهد. بنابراین مهم ترین چالش پیش رو قبل از هر چیز اصلاحات فرهنگی می باشد؛ که با سیاست های لازم و فعالیت های آموزشی گسترده مناسب برای همه انسان ها و مجموعه های انسانی تحقق پذیر می باشد؛ همانگونه که در بسیاری از جوامع انسانی تحقق پیدا کرده است. در اینجا باید به دو مشکل بسیار مهم فرهنگی اشاره کرد که با سیاست های مناسب و آموزش های کافی باید حل شوند، همت و عشق. برای رشد، توسعه و پیشرفت نیاز به انسان ها و مجموعه های انسانی با همت بلند و عشق شدید می باشد. باید توجه داشت که « مهم ترین منبع انرژی عشق است » و « با همت بلند به جایی می توان رسید ».

با فرهنگ مناسب و دانش علمی و فنی می توان حتی در سرزمین فقیر غنی شد و در سرزمین غنی می توان بسیار غنی شد. این است چکیده داستان معجزه های اقتصادی چند قرن گذشته در جهان و از جمله چند دهه گذشته در شرق آسیا. از دست آوردهای مثبت آن ها می توان درسها آموخت و از عوارض منفی آن ها می توان عبرت ها گرفت و بدون دچار شدن به عارضه های منفی به سرعت فاصله خود را از آنها کمتر و کمتر نمود و حتی از آنها پیشی گرفت. سیستان می تواند آبستن چنین حادثه ای شود. بخش کشاورزی سیستان از این قاعده مستثنی نیست.

کاهش ضایعات و عقلانی نمودن مصرف باعث افزایش پس انداز و انباشت سرمایه می شود که به نوبه باعث افزایش بهره وری نیروی انسانی می شود. پیشرفت تکنولوژیک مناسب نیز عامل مهمی در افزایش بهره وری نیروی انسانی می باشد. در دوران معاصر تحقیقات علمی مناسب مهم ترین علت پیشرفت تکنولوژیک بوده است. کشورهایی که امکانات بیشتری را به صورت کارآمدتر و اثر بخش تر صرف تحقیقات علمی و فنی نموده اند از پیشرفت تکنولوژیک سریعتری برخوردار بوده اند.

پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پایه شرف؛ بیست و نهم و سی ام اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

تحقیقات علمی و فنی خود نوعی فعالیت تولیدی هستند و مثل هر فعالیت تولیدی دیگر فایده های آنها حداقل باید برابر هزینه های آنها باشد. اکثر قریب به اتفاق تحقیقات علمی و فنی انجام شده در ایران و از جمله در سیستان در این آزمون رد می شوند؛ هزینه هایی که به ایران و سیستان تحمیل نموده اند در وجه مقایسه با فایده هایی که عاید ایران و سیستان کرده اند بسیار زیاد است؛ این خود نوعی ضایع کردن امکانات است؛ رفتار ضایع کنندگی.

صرفه جوئی های مقیاس و اندازه می توانند عامل مهمی در رشد بهره وری نیروی انسانی باشند و در کشورهای پیشرفته اقتصادی چنین بوده اند. در ایران به ویژه در بخش کشاورزی، واحدهای تولیدی با گذشت زمان به علل زیادی کوچکتر و پراکنده تر شده اند. این موضوع تاثیر منفی بر بهره وری نهاده ها، به ویژه بهره وری آب، گذاشته است (۳ و ۴). بخش کشاورزی سیستان مثالی از این واقعیت است. کوچکی و پراکندگی واحدهای تولیدی بخش کشاورزی سیستان به طرق مختلف زیادی باعث افزایش ضایعات به ویژه در مصرف آب و کاهش بهره وری نیروی انسانی و بهره وری آب شده اند. یکجا سازی، یکپارچه سازی، بهبود تکنولوژی و به ویژه نظام بهره برداری مناسب چاره حل این مشکلات هستند. نظام بهره برداری مناسب می تواند یکجاسازی، یکپارچه سازی و بهبود تکنولوژی را تسهیل نماید. نظام بهره برداری مناسب دارای چه ویژگی هایی است؟

در تاسیس نظام بهره برداری مناسب مشارکت داوطلبانه و علاقه مندان خانوارها یک شرط لازم بسیار مهم است. تجربیات گذشته در ایران نشان می دهد که نظام های بهره برداری که با مشارکت داوطلبانه و علاقه مندان خانوارها تاسیس نشده اند موفق و پایدار نبوده اند و اکثریت قریب به اتفاق آنها منحل شده اند. هم تاسیس داوطلبانه و علاقه مندان و هم اداره چنین نظامی نیاز به دانش فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و اقتصادی گسترده ای دارد که از طریق آموزش های لازم می تواند حاصل شود. آموزش های کافی و مناسب لازم است و می تواند تاسیس داوطلبانه و علاقه مندان چنین نظام بهره برداری را تسهیل کند. بنابراین، چنین نظام بهره برداری نوعی « شرکت » است.

راه اندازی و اداره موفقیت آمیز چنین شرکتی علاوه بر زمین و آب کافی نیاز به اقلام سرمایه ای زیاد دارد، سرمایه های فیزیکی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی. برای رشد چنین شرکتی علاوه بر رشد و اصلاحات مداوم در زمین و آب، رشد و بهبود مداوم سرمایه های فیزیکی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی لازم است. رشد، توسعه و تکامل سرمایه های انسانی، اجتماعی و فرهنگی این شرکت تضمین کننده ادامه حیات موفقیت آمیز آن خواهد بود. این شرکت برای ایجاد انگیزه کافی در خانوارها برای تامین امکانات کافی و رو به رشد و توسعه زمین و آب و سرمایه های مختلف باید چنان باشد که هر خانوار به نسبت مشارکتش از مزایای حاصله برخوردار شود، که خود تحقق نوعی عدالت نیز می باشد. بنابراین، چنین نظام بهره برداری باید نوعی « شرکت سهامی » باشد.

ویژگی های بسیار مهم دیگر این نظام بهره برداری باید کارآمدی، اثربخشی، کارآفرینی، نوآوری، رشد و توسعه و تکامل یابنده و پیشرو باشد. به عبارت دیگر هم خود پیشرفت کند و هم بستری برای پیشرفت دشت سیستان باشد و به پیشرفت ایران کمک شایسته امکانات بالقوه خود نماید و به این ترتیب یکی از پیشگامان استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت ایران باشد. این آرمان و رسالتی است که شایسته آن است و باید داشته باشد. بنابراین نظام بهره برداری مورد نظر را می توان « شرکت سهامی پیشرفت » نامید.

پنجمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پایه پیشرفت؛ بیست و نهم و سی ام اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

«شرکت سهامی پیشرفت» بسیار انعطاف پذیر است به گونه ای که برای انجام هر فعالیتی و در هر بخشی از اقتصاد و برای هر اندازه و مقیاسی می تواند تشکیل شود. و نکته مهم دیگر این است که «شرکت سهامی پیشرفت» نوعی نظام است که محیط هایی آن را احاطه کرده اند، محیط های اقلیمی، تکنولوژیک، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره. این محیط ها روی سرنوشت شرکت تاثیر گذارند. همان گونه که رشد، توسعه و تکامل نهنگ نیاز به محیط اقیانوس دارد موفقیت «شرکت سهامی پیشرفت» علاوه بر این که بستگی به رفتارهای خودش دارد باید از محیط های تسهیل کننده پیشرفت برخوردار باشد. فراهم آوردن این محیط های مناسب عمدتاً وظیفه سازمان های دولتی است که در دشت سیستان فراوان وجود دارند و باید به رسالت خود عمل نمایند. جمع بندی کلی آنچه گذشت این است که همه بایدها و نبایدهای پیش گفته برای پیشرفت سریع را انسان ها محقق می سازند، و لازمه آن تحول سریع و عمیق انسان ها می باشد و این با آموزش های مناسب و سیاست های مناسب، شدنی است.

در سند آرمان ها به درستی ذکر شده است که مبنایی ترین ارزش آرمانی انسان نیل به «خلافت الهی» است. خداوند خالق هستی است. به عبارت دیگر تولید کننده مطلق است. بنابراین تولید کنندگی محور اصلی رشد، توسعه، تکامل و تعالی انسان است؛ تولید کنندگی محور اصلی خداگونه شدن است. شاید به همین دلیل است که پیامبر اسلام (ص) دست تنها دو نفر را بوسید، یک زن و یک مرد، این دو، هر یک به نحوی، اسوه تولید بودند. تولید «خوب» نه تولید «بد». در سنت های دینی و ملی سرزمین ایران نیز تاکید زیادی روی «خوب» شده است. پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک و در یک کلام امر به «معروف». در عصر ما «بدترین بدها» سلاح های هسته ای هستند و ایران به درستی تولید این بدترین بدها را تحریم کرد. این نه فقط یک اقدام بسیار مهم اقتصادی بود بلکه، از آن مهمتر، یک اقدام بسیار مهم فرهنگی است که می تواند الگوی مورد استفاده سایر کشورها قرار گیرد و تولید بدترین بدها کنار گذاشته شود. در تمام اسناد الگوی پایه پیشرفت باید به این نقش محوری «تولید کنندگی خوب» پرداخته شود. در سطح جهان الگوی در رقابت پیروز خواهد شد که «تولید خوب سرانه بالاتری» را باعث شود. در متن اصلی این مقاله کوتاه نشان دادیم که حتی در یکی از مناطق ایران که صدها سال است دچار رکود و فقر شدید بوده است این استعداد بالقوه وجود دارد که اگر همراه شود با رفتارهای تولید کنندگی حداکثری، مصرف کنندگی معقول، توزیع کنندگی عادلانه و ضایع کنندگی صفر، که لازمه آن تحول سریع و عمیق انسان ها است، می تواند یکی از پیشگامان پیشرفت ایران باشد. از این استعدادها باید استفاده کرد. اصلاحاتی در اسناد الگوی پایه پیشرفت حول محور «تولید کنندگی خوب» و مناسب با استعدادهای بالقوه انسانی، طبیعی و جغرافیایی ایران می تواند کمک به وجود آوردن بستر مناسبی برای پیشرفت نماید.

پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پایپیشرفت؛ بیست و نهم و سی ام اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

منابع

- ۱- ارسلان بُد، م. کارآمدی و اثر بخشی موسسات پژوهشی، آموزشی و ترویجی، الزام محوری پیشرفت است. پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۳، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۲- دیانتی، م. تحلیل اقتصادی اثرات کاهش آورد رودخانه هیرمند بر الگوی کشت و سود ناخالص کشاورزان منطقه سیستان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی دانشگاه زابل، شهریور ۱۳۹۴.
- ۳- ارسلان بُد، م. مکان، مقیاس، و محدودیت آب در تولید غله و میوه. همایش ملی تغییر اقلیم و تاثیر آن بر کشاورزی و محیط زیست. دوم مردادماه ۱۳۹۰، ارومیه.
- ۴- ارسلان بُد، م. رابطه هزینه آب با مقیاس و اندازه واحدهای کشاورزی. همایش کشوری چالش ها و بحران ها در حوزه دریاچه نمک، ۲۰ خرداد ۱۳۹۳، قم.